

رهنامه: آیا هویت از دیدگاه علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی اصطلاح خاصی است؟

استاد: اصطلاح آیند تی در جامعه‌شناسی به همان معناست، ولی بیشتر به بررسی ماهیت می‌پردازد. حقیقتاً هویت به درون بر می‌گردد و ماهیت، به مابهِ تفاوت و مقایسه با بیرون، در اینجا، اصل بحث، هویت است و ما این را بحثی اصلی و پرداختن به بحث ماهیت را تبعی می‌دانیم، چون اصل، هویت است و تمام اثار یک شرخ، به هویت آن باز می‌گردد. در طول تاریخ، هویت طلبگی، با وجود دشواری‌ها و فقر مالی و فشار دولت‌ها، پا بر جا مانده و سرنوشت تاریخ را نیز تغییر داده است که ما باید این مسئله را بررسی کنیم.

رهنامه: هویت طلبگی چیست؟

استاد: ما برای بررسی هویت باید چند مطلب را بررسی کنیم، اول دانش طلبگی است. این که طبله در حال تحصیل علم، آن علوم معنوی را دریافت می‌کند و آن علوم بر او اثر به سازی‌ای می‌گذارد و آن علوم را باز تولید می‌کند. وقتی بنده قلم بودم، خدمت آیت‌الله سبزواری و آیت‌الله خرازی، علوم حوزوی و علم کلام را می‌خواندم. وقتی آیات قرآن خوانده یا بحث مطرح می‌شد، حال و هوای معنوی من تغییر می‌کرد. هر چه بیشتر درس‌ها و نظام حوزه، بر اساس معارف اهل بیت باشد، بیشتر روی طبله اثر می‌گذارد. البته حوزه باید نسبت به آینده هویت خود، بازنگری کند، ولی این که طبله در چه مکانی باشد، حرف دیگری است. مثلاً ما اگر در اروپا، در شهری مثل هامبورگ، حوزه تأسیس کنیم، آموزه‌های اهل بیت به شدت روی ذهن آنها اثر می‌گذارد. متنها مکان نیز تأثیر دارد. مثلاً طبله ما که آن جا رفته، تیپش عوض شده است. زمان هم روی آن‌ها اثر می‌گذارد. این که در چه زمانی زندگی می‌کند، چه اختصاصات زمانی و چه رسانه‌هایی در آن زمان وجود داشته باشد، در هویت طبله مؤثر است. متنها رویت طلبگی، معرفت و شناخت و علمی است که آن‌ها می‌خوانند و تولید می‌کنند.

رهنامه: نصاب طلبگی چیست؟

استاد: نکته کلیدی، هویت طلبگی توحید است. من دنیا را گشته‌ام و شرق و غرب عالم را دیده‌ام، با پیروان ادیان ارتباط داشته‌ام، بوعلی‌سم، هندوویسم، مسیحیت و... و حوزه قم باید روی موضوع توحید کار کند. منظورم صرف علم کلام و فلسفه نیست، بلکه باید روی این‌وای کار شود که ائمه درباره روحیه اتفاق می‌افتد و برای روش‌نگری بهایت، وهابیت و... هم باز تولید کنیم، درخشندگی ویژه‌ای اتفاق می‌افتد، اخلاص حاصل می‌شود. این که ما در عمل مشرك نباشیم. اگر اخلاص شکل بگیرد، باید حکمت نیز بر انسان گشوده می‌شود. خیلی از مستشرقان روى اسلام کار کرده‌اند، ولی آن‌ها دنیال توحید نبودند. از پیرون، دین و توحید را تماشا می‌کردند، آن هم نه به عنوان امری درونی، در صورتی که طبله می‌خواهد هم دین را باز تولید کند، هم خودش را و همچنین از درون می‌خواهد متحول شود. متأسفانه امور یک مقداری حوزه، از پیرون به دین نگاه می‌کند. در چین حالتی، ما دیگر شخصیت‌هایی مثل سابق در حوزه ت Xiaohe داشت و حرکت‌هایی که باید کنش و انگیزه ما را شکل بدهد و روح ما را نورانی کند، شکل نمی‌گیرد و فصل خا پدید نمی‌آید و ما شخصیت‌هایی کوچکی خواهیم بود. بنابراین توحید به معنای حقیقی کلمه و اخلاص، نصاب طلبگی است که از دیگران مورد انتظار نیست.

ایه نفر را نیز به عنوان هویت طلبگی می‌توان مطرح کرد که شامل تفقه و اندار است. از بحث تفقه و اندار می‌گذرد، چون به حد کافی دیگران به آن می‌پردازند و به نکته‌ای در آیه نفر اشاره می‌کنم که کمتر به آن توجه شده است. حوزه به شدت جغرافیایی است. حوزه یعنی جغرافیا. بر عکس دانشگاه که نسبت به جغرافیایی شدت جغرافیایی هستند. هر کدام از حوزه‌های علمیه ایران به شدت هویت و جغرافیایی خاص خودشان را دارند. مثلاً حوزه علمیه خراسان یک حوزه علمیه ارتقاگری است. از این

مصاحبه

میثم واحدی



ابراهیم فیاض،

استادیار گروه مردم‌شناسی
دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه
تهران است. وی مدرک کارشناسی
را در رشته پژوهشگری از دانشگاه
تهران، کارشناسی ارشد را در رشته
مردم‌شناسی از دانشگاه تهران
و دکتری را در رشته فرهنگ و
ارتباطات از دانشگاه امام صادق
تهران اخذ نموده است.

موارد تدریس وی

«انسان‌شناسی جهانی شدن»
«انسان‌شناسی فلسفی»
«مردم‌شناسی اعتقادات دینی»
و «مبانی فلسفه» (در مقطع
کارشناسی) و «روش‌شناسی
فلسفه» و «انسان‌شناسی دینی
ایران» (در مقطع کارشناسی ارشد)
است.

و بازیگری هویت طلبگی از منظر علوم اجتماعی

نکته کنندی هویت طلبکی توحید اندیش



هویت طلبکی آن است که در طول تاریخ با این همه دشواریها و فقر مالی و فشارهای دولتها مانده است و سرنوشت تاریخ را عوض کرده است.

ریشه هویت طلبکی معرفت و شناخت و علمی است که آنها می خوانند و تولید هم می کنند.

توحید به معنای حقیقی کلمه و اخلاص نصاب طلبکی است که از دیگران مانند طلبکی مورد انتظار نیست.

آیه نفر را نیز به عنوان هویت طلبکی می توان مطرح کرد که شامل تفکه و انداز و جغرافیا است.

موقعی که یک حوزه انتظامی شود از حالت عزلت و درونگرایی و انتزاعی و چرخش درونی خارج می شود و تولیدات آن بیشتر خواهد شد.

رو، به شدت طلبکی‌ایش بیان خوبی دارند و دارای تنوری و چارجوب خوب در بحث ارتباطات هستند. امام در پیام تسلیت به مناسبت شهادت شهید مطهری می‌گویند خطبی توانا یا مثلاً به عنوان مثال حضرت آیت‌الله خامنه‌ای خوب مطلب را بیان می‌کنند. برای نمونه، مرحوم کافی نیز خطبی توایی بوده است. حوزه علمیه مشهد، متأثر از جغرافیاً آن منطقه است. اگر ما فردوسی را در مشهد داریم، این خطبا را هم در مشهد داریم.

حوزه علمیه شیراز، یک حوزه عرفانی است. شهید دستغیب تربیت می‌کند. حوزه علمیه اصفهان، حوزه حکمت و فلسفه است. حوزه علمیه قم که مبنای آن تاریخی‌نگری است، با حوزه نجف فرق می‌کند. حوزه علمیه نجف، یک حوزه انتزاعی است و حوزه علمیه قم، یک حوزه انسامی و تاریخی است. این نکته مهمی است که حوزه قم دارد. خصوصیت انسامی و تاریخی بودن این است که سعی می‌کند مسائل علمی و مثلاً فقه و کلام... را ناظره شرایط موجود و پاسخ‌گو نسبت به مسائل روز، باز تولید کند و در ارتباط و تعامل با اهل سنت هم باشد. با حضور برخی علماء، حوزه علمیه قم یک شخصی دارد که باز تولید تاریخی خودش را انجام می‌دهد. با وجود مردم‌شناسی‌ای که داشتمام، یک‌دهه دیگر، قم یک حوزه معرفتی و جهانی خواهد شد. با این روال حوزه قم در تمام مسائل جهانی به ظرفی‌پرداخت و خواهد شد که خاصی در احادیث ما آنده که جهانی خواهد شد، در قم شکل خواهد گرفت. منتها قسم باید خودش را با جزوی‌های دیگر تطبیق بدهد. مثلاً حوزه مشهد را بازوی تبلیغاتی اش قرار بدهد. باید این حوزه را باز تولید کند تا در بلند مدت اهداف محقق بشود. علوم دانشگاه‌ها غربی است، از این رو، خیلی تابع جغرافیا نیست و خیلی هم با مردم ارتباط ندارد.

رهنامه:

علت جغرافیایی بودن حوزه چیست؟

استاد: حوزه با مردم ارتباط دارد و علماً با مردم زندگی می‌کنند و از صبح تا شب علماً با مردم رابطه دارند. بنابراین از مردم متأثرند. ضمن این‌که زندگی در یک جغرافیا، فرهنگ آن دیار را به علماً منتقل می‌کند و هم‌چنین مردم یک جغرافیا در مجموعه‌ای از استعدادها مشترک هستند. از سراسر کشور به حوزه قم می‌آیند. به خاطر همین این حوزه تاریخی و انسامی شده است. در قم ملتی است. این را بگوییم که حوزه قم آن‌گونه که باید از این فرصت بهره نبرده و ارتباطی با این ملیت‌ها برقرار نکردد است. یک موقعیت سید حسن نصرالله در کوچه ارک، در قم به مدرسه‌می‌رفته است. هیچ کس نفهمیده است. الان که فخر شیوه شده است، باید حجه او را برجسته کنند. البته باید ارتباط بین طایبه‌های لبنانی یا اروپایی با طایب ایرانی زیاد شود. جلسه بگذاریم و در جشن و عزاداری و سمنیاره‌ها برناهه مشترک داشته باشیم و با هم بحث و گفتگو کنیم. در گذشته ارتباطات طلبکی‌ایرانی با طایب خارجی بیشتر بود. موقعی که طایبه‌ها با هم دوست شوند، بعد حوزه انسامی تحقق می‌باید. موقعی که یک حوزه انسامی شود، از حالت عزلت و درون‌گرایی و انتزاعی و چرخش درونی خارج، و تولیدات قم بیشتر می‌شود. در حوزه، به سختی گروه شکل می‌گیرد و این به خاطر ضعف ارتباطات درونی است.

رهنامه:

چه نکته‌ای در حوزه وجود دارد که ارتباطات به ساختی شکل می‌گیرد؟ چرا همان انسان‌هایی که در دانشگاه به راحتی یک گروه می‌شوند، در حوزه درون‌گرا می‌شوند؟

استاد: به خاطر ساختار درونی حوزه است. زمانی که من

قم بودم، تلفن می‌زدم با آیت‌الله مکارم و آیت‌الله سیحانی صحبت، و از آن‌ها سؤال می‌کدم و فاصله‌ای بین ما نبود. اگر ارتباطات بیشتر شود، این مشکل بطریق می‌شود. ما با پاکستانی‌ها و اندونزی‌ها، زبان مشترکی نداریم. متأسفانه ارتباط علماً با طلبکی‌ها اقطع شده است. به خاطر فضای بسته هزو، ارتباط طایب‌ها باز است و پنج‌شنبه‌ها، از صبح خانه علماً به روی طلبکی‌ها باز است و پنج‌شنبه‌ها، از صبح تا ظهر، طلبکی‌ها به خانه علماً می‌روند و بر سر مسائل درسی و غیر درسی و مشکلات زندگی با علماً بحث می‌کنند. علماً خیلی از طلبکی‌ها دور شدند و این بروز خوب نیست. باید فضای موجود از بین بروز و ارتباط بین علماً برقرار شود. ما موقعي که طایب بودیم، با سید مهدی میریاقری، هادی تهرانی، علی محمدی و... خیلی دوست بودیم و با هم ارتباط داشتیم. به خانه استادان می‌رفتیم و تاریخی بودن این است که سعی می‌کند مسائل علمی و مثلاً فقه و کلام... را ناظره شرایط موجود و پاسخ‌گو نسبت به مسائل روز، باز تولید کند و در ارتباط و تعامل با اهل سنت هم باشد. با حضور برخی علماء، حوزه علمیه قم یک شخصی دارد که باز تولید تاریخی خودش را انجام می‌دهد. با وجود مردم‌شناسی‌ای که داشتمام، یک‌دهه دیگر، قم یک حوزه معرفتی و جهانی خواهد شد. با این روال حوزه قم در تمام مسائل جهانی به ظرفی‌پرداخت و خواهد شد که خاصی در احادیث ما آنده که جهانی خواهد شد، در قم شکل خواهد گرفت. منتها قسم باید خودش را با جزوی‌های دیگر تطبیق بدهد. مثلاً حوزه مشهد را بازوی تبلیغاتی اش قرار بدهد. باید این حوزه را باز تولید کند تا در بلند مدت اهداف محقق بشود. علوم دانشگاه‌ها غربی است، از این رو، خیلی تابع جغرافیا نیست و خیلی هم با مردم ارتباط ندارند.